

انترناسیونال

دوره دوم
۴۹

جمعه، ۳۰ مرداد ۱۳۸۳

۲۰ اوت ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com



علیه تلاش رژیم برای محاکمه فعالین کارگری

صفحه ۴

ستون اول سیاوش دانشور

دست رژیم از سر
فعالین کارگری
کوتاه!

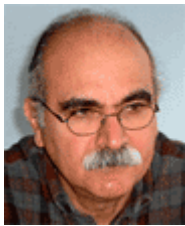
اخیرا جمهوری اسلامی طی نامه هائی به دستگیر شدگان اول مه سقر میخواهد آنان را در روزهای آتی دادگاهی کند. بنا به اخبار دریافتی قرار است برهان دیوارگر و محمود صالحی روز دوم شهریور و جلال حسینی و محمد عبدی پور روز سوم شهریور دادگاهی شوند. اتهامات وارده به دستگیرشدگان اول مه مثل همیشه نخ نما و متکی به پرونده سازی است: ارتباط با گروههای اپوزیسیون!

گردمائی در روز جهانی کارگر حق طبیعی و مشروع کارگران و مردم آزادیخواه است و ربطی به رژیم اسلامی ندارد. این کارگران "جرمی" مرتکب نشده اند. مجرم رژیم اسلامی است که میلیونها خانواده کارگری و اکثریت عظیم مردم را به گرسنگی و فقر و بیکاری و فحشا و اعتیاد و ناامنی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی محکوم کرده است. اگر قرار است دادگاهی تشکیل شود، که بزودی تشکیل خواهد شد، دادگاه سران رژیم اسلامی در پیشگاه مردم بجرم یک ربع قرن جنایت علیه مردم ایران است. بیدادگاههای رژیم اسلامی درست مانند تمام ارکان این رژیم کوچکترین مشروعیتی ندارد. این سیاست رژیم اسلامی باید در نطفه خفه شود. این تلاش مذبحخانه رژیم اسلامی باید پاسخی محکم و دندان شکن بگیرد. اینرا جنبش آزادی و برابری و در راس آن حزب کمونیست

صفحه ۴

اوضاع سیاسی ایران

گفتگو با لیدر حزب



مقامت جانانه زنان داشتیم. در يك مورد زنانی که از جانب لایحه های اسلامی رژیم مورد حمله قرار گرفته بودند نه تنها حجاب خودشان را برداشتند بلکه از خواهران زینب هم کشف حجاب کردند. در دل همین شرایط مبارزات کارگران و پرستاران و اقشار دیگر جامعه همچنان ادامه دارد.

این واقعیتی است که امسال

صفحه ۲

شرایط را با ۱۸ تیر سال قبل مقایسه میکنید به چنین نتیجه ای میرسید. اما وقتی از نزدیکتر به مساله نگاه میکنید، میبینید رژیم در دل همین شرایط بظاهر مختنق با مقاومت های بیسابقه ای روبرو شده. میدانیم همیشه یورش رژیم به مردم با حمله به زنان و مقابله با "بدحجابی" شروع میشود. و در مقابل عکس العمل و مقاومت زنان شاخص خوبی از توازن قوا میان مردم و رژیم است. در یورش اخیر موارد متعددی از

گرفته. جمهوری اسلامی هر وقت بتواند و هر وقت اتفاقا مشکلات درویش بالا بگیرد دست به چنین شیوه های سرکوبگرانه ای میزند، سوال اینست که رژیم تا چه حد در پیشبرد این سیاستها موفق میشود و چقدر میتواند عملا مردم را مرعوب کند و به عقب براند. وقتی از این نقطه نظر وضعیت را مورد توجه قرار بدیم، می بینیم رژیم پیشروی چندانی نداشته است. در يك نگاه کلی چنین به نظر میرسد که مردم عقب رانده شده اند. بویژه وقتی

انترناسیونال: برخی مشاهدات به اوضاع سیاسی ایران بعد ۱۸ تیر از يك درجه سکون و رکود در تحرك سیاسی مردم صحبت میکند. تحلیل و ارزیابی شما از اوضاع چیست؟
حمید نقوائی: جمهوری اسلامی در ماه های اخیر به سیاست ارباب و بگیر و ببند روی آورده است. این سیاست از قبل از ۱۸ تیر شروع شد و هنوز ادامه دارد. به نظر من سوال این نیست که چرا این سیاست تشدید سرکوب و بگیر و ببند در دستور رژیم قرار

مروری بر روشها و سنتهای غیر اجتماعی در
سازمان یابی توده ای و کارگری

در حاشیه اعلامیه "کمیته هماهنگی کارگران اخراجی تهران و حومه"

اسد گلچینی

ضروری است که شناخت هر چه دقیقتری از این روشها که موانع پیش پای مبارزات توده ای و تشکل های توده ای نیز هستند داشته باشند.

این کمیته در اعلامیه اش که در تیر ماه ۸۳ منتشر شده است مینویسد که: "از تمام این افراد صفحه ۳

نیاز به متشکل شدن یکی از ضروریات آن شده است و به همین دلیل ایجاد سازمان ها، تشکیل کانون ها و انجمن های مختلف به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. بررسی اعلامیه اخیر و نظرات مطرح شده در آن در این رابطه اهمیت دارد و رهبران و فعالین دست اندرکار این عرصه

مهم است نحوه برخورد به يك موقعیت و يك معضل اجتماعی در این اعلامیه و ارائه راه حل غیر اجتماعی در مقابل آن است. دوره اخیر در مبارزات کارگران و محرومان در جامعه، دوره رو آوری به تشکل و سازماندهی اعتراض است. دوره ای که میل، تلاش و همچنین

"کمیته هماهنگی کارگران اخراجی و بیکاران تهران و حومه" نامی است بر يك اعلامیه که اخیرا منتشر شده است. اینکه اطلاعیه متعلق به فعالینی باشد که دست اندرکار سازماندهی بیکاران هستند، یا از طرف سازمانهای چپ حاشیه ای منتشر شده اهمیت چندانی ندارد. آنچه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تظاهرات و اعتراضات سال قبل تکرار نشد و جنبش سرنگونی طلبانه مردم در آن سطح عروج نکرد و بروز پیدا نکرد، اما ازینجا نمیشود و نباید این نتیجه را گرفت که مبارزه تمام شده و یا حتی ضعیف شده است. در ماه های اخیر مبارزه مردم در ابعاد و در اشکال دیگری و حتی از لحاظ کیفی در اشکال پیشرفته تری مدام در جریان بوده است. مبارزات شکل یافته تر و متشکل تر و از لحاظ مطالبات و مضمون سیاسی روشن تر و شفاف تر شده است. و این واقعیت پایه ای تر و تعیین کننده تری از افت و خیز شکل بروز مبارزه مردم بصورت تظاهرات و یا اعتراضات خیابانی است.

انترناسیونال: فکر نمیکنید که مواجه مردم با رژیم اسلامی به کیفیت جدیدی رسیده و در این زمینه باید اقدامات جدیدتری را در دستور گذاشت؟

حمید تقوایی: دقیقا همینطور است. این بحث را از چند ماه پیش، بعد از پلنوم بیستم، حزب ما مطرح کرد که میتوان و باید ابعاد و اشکال جدیدی به مبارزات داد و از لحاظ کیفی سطح اعتراضات را ارتقا داد. وقتی از مبارزه صحبت میکنیم یک تصویر و تلقی تصویربست که یک ناظر خارجی، یک خبرنگار از مبارزه دارد. اگر اتفاق قابل مشاهده ای از دیدگاه یک ناظر خارجی نیفتد و تظاهرات و اعتصابی در کار نباشد و مردم بخوابانها نریخته باشند به این نتیجه میرسند که اوضاع آرامست و جنبش و اعتراضی در کار نیست. بعبارت دیگر جنبش اعتراضی وقتی برسیمت شناخته میشود که بروز بیرونی شدیدی پیدا کرده باشد. این نوع ارزیابی واقعیت و حقیقت را منعکس نمیکند. بخصوص برای ما که خبرنگار و ناظر و گزارشگر تحولات و مبارزات نیستیم بلکه دست اندر کاران و سازماندهندگان یک جنبش اعتراضی و انقلابی هستیم که دارد در ایران شکل میگردد. از این نقطه نظر جنبش سرنگونی را فقط با بروزش ارزیابی کردن ساده نگری و سطحی نگری است.

وقتی شما به جنبش سرنگونی دقیق میشوید مبینید مدام در حال

پیشروی است و بخصوص در چند سال گذشته رادیکالیزه شده و به چپ چرخیده است. زمانی در این جنبش دو خردا دیها و نهاد هائی نظیر دفتر تحکیم وحدت و اپوزیسیون راست با شعارها و مواضعی نظیر نافرمانی مدنی و رفراندوم و غیره نفوذ و پایگاهی داشتند و توهماتی را بوجود می آوردند. امروز می بینیم جایی برای این نیروها و شعارها و مواضع در میان مردم نیست. آن طیفی که اپوزیسیون پرو رژیم حکومت بود امروز کاملا منزوی و حاشیه ای است و از این نظر جنبش رشد کرده است. از نظر اشکال مبارزاتی نیز همینطور. خواستهائی که مطرح میشود، قطعنامه ها و بیانیه هائی که داده میشود، تشکلهائی که بوجود می آید، همه نشانگر رشد و پیشروی جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. ۸ مارس و اول ماه مه امسال، جریان زلزله بم و دستگیری فعالین کارگری در اول ماه مه در سقز اشکال جدیدی از مبارزه و نحوه برخورد با رژیم را نشان میدهد، که به نظر من کاملا مثبت است و باید به استقبال آن رفت و رشد و ارتقای داد. فعالین این جنبش، در بین کارگران و یا زنان یا معلمان به کار کمپینی و متشکل علنی روی می آورند و چپ در این جنبش قدم بجلو میگذارد و هویت پیدا میکند. در یک کلام میشود گفت جنبش آگاهانه تر و سیاسی تر و متشکل تر شده. وقتی این معیارها را در نظر بگیرد شکی بجا نمی ماند که جنبش سرنگونی در دوره اخیر گامهای بلندی بجلو برداشته است. بحثهای پلنوم بیستم حزب ما که در انترناسیونال منتشر شد، راهها و شیوه های عملی مشخصی را در همین جهت مطرح میکند و رهبران عملی و چپ را به انجام آن فرا میخواند. این بحثها تحت عنوان حزب و جامعه در ایران و هویت علنی بخشیدن به چپ در شماره های قبلی انترناسیونال منتشر شده و من خوانندگان و بویژه فعالین عملی مبارزات و اعتراضات مردم را به این بحثها رجوع میدهم.

انترناسیونال: ارزیابی شما از افق سیاسی مسلط به مبارزه مردم چیست؟ آیا افق راست یا چپ در مبارزه مردم دست بالا را دارد؟

حمید تقوایی: نکته قابل توجهی که بویژه در دوسال اخیر باید بر آن انگشت گذاشت اینستکه مبارزات مردم و کلا جامعه در دوسال اخیر به چپ چرخیده است و ما مدتهاست این واقعیت را در شعارهائی که مردم مطرح میکنند و در نحوه مبارزاتشان و برخوردی که به رژیم دارند مشاهده میکنیم. مردم بیشتر به چپ میگردند و چپ را انتخاب میکنند و چپ هم از نظر حزبی با ما، با حزب کمونیست کارگری تداعی میشود. این حزب ما بود که مدتها قبل از شکل گیری جنبش سرنگونی پرچم سرنگونی را بلند کرده بود و شعارها و خواستههائی که امروز بر سر زبانهاست و در جامعه رایج شده است مدتهاست که بوسیله حزب ما در جامعه مطرح و تبلیغ میشود. شعارهائی مثل دولت سکولار و یا آزادی و برابری و لغو آپارتاید جنسی و لغو مجازات اعدام و غیره. اینها شعارها و مواضعی است که حزب ما بیش از دو دهه است پرچم آنها بدست گرفته و برای تحقق آنها مبارزه کرده است. این شعارها در مبارزات و در خیابانها فریاد زده میشود و در قطعنامه ها و بیانیه ها منعکس میشود. همه اینها نشان میدهد که جامعه و جنبش انقلابی مردم علیه رژیم به چپ سوق پیدا کرده است. و دقیقا عکس این موضوع برای راست صادق است. راست تا حد زیادی نفوذ خود را از دست داده است و شعارها و آلترناتیو راست همانطور که در بالا هم اشاره کردم، کلا در میان مردم منزوی و بی اعتبار شده است. دو خرداد و سلطنت طلب و جمهوریخواهان زمانی میتوانستند ادعا کنند که در بخشهائی از جامعه نفوذ دارند و مواضع و سیاستهایشان پیروانی دارد. اینها میتوانستند در مواقعی که بعنوان نمونه روزنامه ای بسته میشد اعتراضات مردم را بزیر چتر خود بکشند و مثلا در جنبش دانشجویی تحرکی بوجود بیاورند، و یا امیدوار باشند که با تزهائی مثل نافرمانی مدنی اعتراضات مردم را کنترل کنند. دوره این نیروها امروز به سر رسیده است و کلا نفوذ راست در جامعه رو به کاهش است. منظور من البته این نیست که نیروهای راست مطلقا هیچ پایگاهی ندارند. بالاخره همیشه بخش کوچکی از جامعه که منافعش اقتضا میکند طرفدار راست هست. صحبت من بر

سر کاهش نفوذ راست در یک سطح اجتماعی و بویژه در میان کارگران و جوانان و زنان است.

انترناسیونال: امروز بخشی از جمهوریخواهان که سابقا طرفدار خاتمی بودند از آشتی با مطالبات مردم و "حق قیام مردم" صحبت میکنند. حزب کمونیست کارگری همواره از سیاست سرنگونی رژیم اسلامی، سازماندهی انقلاب کارگری و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی سخن گفته است. اوضاع امروز و تغییراتی که در جریان است چه وظایفی را مقابل حزب میگذارد؟

حمید تقوایی: اینکه امروز دو خرداد چنین مواضعی میگردد نتیجه دو عامل مختلف است. یکی اینکه موقعیت دو خرداد در جامعه تغییر کرده است. دو خرداد یک سرش در رژیم بود و سر دیگرش در اپوزیسیون. امروز بخش درون رژیمش به اپوزیسیون رانده شده و ناگزیرست بعنوان اپوزیسیون حرف بزند. عامل دوم رابطه دو خرداد با مردم و با مبارزات اعتراضی مردم است. همانطور که گفتم جنبش مردم رادیکال تر شده است و دو خرداد اگر بخواهد نقش همیشگیش در حفظ نظام را ایفا کند ناگزیرست گوشه چشمی هم به اعتراضات مردمی داشته باشد و نسبت به آن بی تفاوت نباشد. شعارها و مواضع ظاهرا مردمی که به آن اشاره کردید از اینجا ناشی میشود. اما اینها همه تلاشهای عبثی است. عمر دو خرداد سپری شده. دو خرداد امروز چوب دو سر طلاست. هم در حکومت و در میان بالائینها ارزش مصرفش را بعنوان سوپاپ اطمینان از دست داده و نقش چندانی نمیتواند ایفا کند و هم از طرف دیگر در میان مردم توهمی ایجاد نمیکند و کسی را بدنبال خودش نمیکشد. از این نقطه نظر میشود گفت دو خرداد از نظر سیاسی هر چه بیشتر دارد از اوضاع بی ربط میشود و اینکه چه مواضعی میگردد و چه میگوید نه زیاد در میان بالائیها اهمیتی دارد و نه مطلقا در میان مردم. اما به هر حال دو خرداد به شکل نیمه جان باقی خواهد ماند تا مگر زمانی در یک تند پیچ و بالانس جدید قوا دوباره به کار بیاید و برای حفظ نظام بجلو رانده بشود. تا زمانی که جمهوری اسلامی هست دو خرداد هم خواهد بود.

انترناسیونال: در باره سیاست حزب و رهنمودهای مشخص تا به سازماندهی انقلاب مربوط است روی چه نکاتی تاکید دارید؟

حمید تقوایی: ما در ادبیات اخیرمان رهنمودهای مشخصی را در رابطه با شرایط حاضر و در سطوح مختلف مبارزه مطرح کرده ایم. من اینجا بطور خلاصه اشاره میکنم که ما خواستار این هستیم که بخصوص فعالین چپ و رهبران عملی مبارزات مردم بویژه در میان کارگران و جوانان و زنان قدم جلو بگذارند و دست بزنند به سازماندهی تشکلهای علنی که در شرایط حاضر امکانپذیرست، طرح بیانیه ها و قطعنامه ها و حمایت خواهی و اعلام حمایت از مبارزات بخشهای دیگر جامعه را در دستور کارشان بگذارند، و همینطور کمپینها و مصافهائی معینی را حول مسائل مشخص مبارزاتی که پیش می آید و میتواند نظر بخش وسیعی از جامعه را بخود جلب کند را سازمان بدهند. اینها همه میتواند و باید به شکل علنی پیش برود و علنی بودنشان خود ضامن حفظ امنیت و ادامه کاری آنهاست. این نوع تشکلهای و مطالبات و کمپینها حول مسائل خاص و معینی شکل میگیرد که در توازن قوای موجود میتواند طرح و دنبال بشود بی آنکه جمهوری اسلامی قدرت مقابله با آن را داشته باشد. فرضا حول مساله قتل زهرا کاظمی، حول مساله زلزله زدگان بم، حول مساله کشتار کارگران خاتون آباد و یا مساله دادگاه دستگیر شدگان اول مه سقز که دوباره مطرح شده است. اینها همه مسائل مشخصی است که میتواند مبنای انواع تشکلهای کمپینها، و پلاتفرمهای مبارزاتی قرار بگیرد. من فعالین جنبش کارگری و کلا فعالین چپ در جامعه را فرا میخوانم که در سطح هر چه وسیعتری این تشکلهای و کمپینها را ایجاد کنند، پلاتفرم و اهداف آنها را مشخص کنند و فعالانه آنها را گسترش بدهند. این نقشه عملی است که از یک طرف در توازن قوای موجود کاملا عملی و امکانپذیر است و از طرف دیگر در عین اینکه مستقیما شعار سرنگونی را اعلام نمیکند - چون موازنه قوا اجازه نمیدهد- در عین حال رژیم را از هر سو تحت فشار قرار میدهد و در

از صفحه ۱

مروری بر روشها و سنتهای غیر اجتماعی ...

(کارگران بیکار و اخراجی و فارغ التحصیلان بیکار) دعوت بعمل می آوریم که به ما بپیوندند... تا برای حق و حقوق بیکاران و تا برقراری عدالت اجتماعی و ... مبارزه را ادامه بدهیم. و در جای دیگری، کارگران کارخانه های دیگر را فرامیخوانند که از مبارزات همدیگر و مبارزه بیکاران حمایت کنند. کمیته هماهنگی همچنین در ادامه به تمامی حرکات و اعتراضات آموزگاران دست یاری دراز میکند و بالاخره تاکید میکنند که برای عبور از پراکندگی باید با دیگر تشکلات ارتباط گرفته و هر گونه اعتراض را هماهنگ نموده و اطمینان میدهد که مبارزات متشکل سر به منزل مقصود خواهد رسید. اینها امید و آرزوهایی است که با مبارزه و اعتراضات کنونی مردم منطبق است و در صورتی پاسخ درست به آنها داده شود میتوان به تحقق آنها امید بست. اما مشکل اصلی در پایان بخش این اعلامیه است که هر کس که اندکی آشنایی به مکانیزم مبارزه و سازماندهی آن داشته باشد را ناامید میکند و سوالات متعددی طرح خواهد کرد. اعلامیه میگوید: "چون کمیته فعلا تشکلی نیمه مخفی است لذا برای تماس با ما با آدرس پست الکترونیکی زیر مراجعه نمایید." باید از این "کمیته هماهنگی" و یا هر جمع دیگری که به چنین روشهایی فکر میکنند و به این نوع فعالیتها سپاتی نشان میدهد، پرسید که این آرزوها و خواستههای درستی که جلو گذاشته اید با این نوع روشها و فعالیتها پاسخگو است؟ چرا همه امید و آرزوهایی خوب شما آخر سر وقتی به این میرسد که باید برای تحقق دست فعالین و رهبران این عرصه ها را در دست هم بگذارید، یک مرکز غیبی را جانشین نکنید و به آن متوسل میشوید؟ چرا یک آدرس ای میل، جای دفتر شما در خیابان و کوچه های شهر تهران و حومه که پلاک و شماره تلفن اش را همه این مخاطبان شما میدانند و فعالین و صاحبین اصلی این حرکت در این دفتر مستقر هستند را گرفته است؟ بنظرم مساله این است که "کمیته هماهنگی" مشکل را نمیشناسد، اصل مشکل همین بیکاران را بخوبی نمی شناسد و

میشود؟ اینها و بسیاری سوالات واقعی دیگر، سوال هر آدم معترض و مبارزی است که مسایل و مشکلات شما را دارد ولی با راه حل شما نمیتواند موافق باشد. برای پاسخ به همه این سوالات باید به وضعیت واقعی در میان کارگران، مردم، معلمان، پرستاران و دانشجویان و ... نگاه کرد و همان مکانیزم های واقعی اعتراض و حرکت مبارزاتی و متشکل شدن و وجود رهبران و فعالین و نظرات مختلف را دید، برسمیت شناخت و برای تاثیر گذاری بر آنها در همان بطن کار کرد. راه حل برجسته کردن و با تمام توان طرح اجتماعی و توده ای آنهاست. هیچ مبارزه ای و هیچ حرکتی وجود ندارد که سازماندهی و فعال و رهبر آن غیبی باشد، آدم های واقعی، آدم هایی که درد و مسایل و مشکلات مشترکی دارند، این کارها را انجام میدهند. فلان دوست بیکار شده و یا اخراجی و یا آن فارغ التحصیلی که هیچ امکانات و معیشت مناسبی در این جامعه ندارد راه حل را در محفل و جمع و انجمن و مجامع عمومی و ... جستجو میکند. کارگران در فلان شرکت و کارخانه تصمیم میگیرند که در فرصت تعیین شده برای متحقق کردن خواستهشان به کارفرما فشار آورند و اعتصاب کنند و پیش از آن مشورت ها و مجامع عمومی خود را بر پا کرده اند. در هر جا کارگرانی که برای کسب حقوق معوقه و افزایش دستمزد و غیره مبارزه میکنند و دانشجویانی که به جنگ سنت و عقب ماندگی شرقی و اسلامی رفته اند نیز به همین ترتیب است. ۱۸ تیرها، اعتراضات و تظاهرات ها، تحصن و اعتصابات، همایش ها، بر پا کردن تشکل و طرح خواستهها، اول ماه مه ها و ۸ مارس ها و ... تولیدات مراکز غیبی و هماهنگ شده از طرق آدرس اینترنتی نیست. تگ تگ اینها و هر حرکت کوچک تا بزرگ محصول دست آدمهای واقعی است که در مناسبات زنده و در رابطه ای سیاسی با اطرافیان و هم فکرن خود قرار دارند و تلاش میکنند محیط خود را در همان جایی که در آن کار و زندگی میکنند تغییر دهند. تقویت و تضعیف هر مبارزه ای بدرجات زیادی به این نوع از فعالیت گره میخورد، هر جلو و عقب رفتنی به این فعالیت ها و فعالین و رهبران این مبارزات نیز بستگی دارد.

هر کسی در هر محیط فعالیتی و محیط زندگی و کارش میداند که تنها با اتحاد میتواند قدرتمند شود. هر کسی میداند که دست یافتن به تشکل و سازمان قدرتمند خوب است، منتها کارگران و مردم مبارز باید راه واقعی تحقق اینها را هم از کسانی دیده باشند و راه پیشبرد مبارزه را در افراد و جمع هایی بتوانند تجسم کنند. چه اینها و چه رسیدن به هر نتیجه ای در تشکل و سازماندهی اعتراض، از طریق بحث و تبادل نظر، مشورت، جدل ها، توافقات، اختلافات، امید و ناامیدی و بالاخره راه حل واقعی و معقول و امکان پذیر پیش پا گذاشتن، قانع کردن و جلو افتادن و متحد شدن، حفظ اتحاد و محکم کردن آن و ... که مابین فعالین این مبارزه در هر کارخانه و محله و دانشگاهی و در میان بیکاران در جریان باشد ممکن است. راه رسیدن بیکاران، آموزگاران و پرستاران و کارگران به تشکل هایشان، راه افتادن، جلو افتادن و حرکت کردن فعالین شناخته شده در همین محیط هاست. اینها کار آدمهای مبارز و معترضی است که اعتماد دیگران را دارند و یا بدست میآورند. کار آدمهایی معترض و عدالت خواه است که دیگران را به این اعتراض جلب کرده باشد. راه و چاره را بهتر و بیشتر از دیگران نشان داده اند. مشکل را میشناسد و راه واقعی پیش پا میگذارند، ما کمونیستها از چنین روش و سنتی برخوردار هستیم و این روش و کار ماست. سنت و روشی که "کمیته هماهنگی" دارد پیش میرود و خود را تابع آن کرده راه حل نیست، در واقع خود یکی از موانع این مبارزات و متشکل کردن آن است. از روش و سنتهایی تغذیه میکند که باید کنار گذاشته شود. این روش و فراخوان ها، حتی یک جمع و چند آدم جدی را نمیتواند به خود جلب کند چون متکی بر هیچ مکانیزم واقعی در جامعه در محیط اعتراض نیست و مشکل کارگران و بیکارانی که این کمیته خود را متعهد کرده است که به سهم خود راهی برایش بیاید حل نخواهد کرد. کسی که مشکل بیکاری را خواهد حل کند به فعال و رهبری مراجعه میکنند که صدای اعتراض به بیکاری را بسیاری در محل زندگی و مرادواتش شنیده باشند و برای امری که دارد راهی نشان دهد که دیگران هم به او

بپیوندند. اینها بطور طبیعی رهبرانی هستند که وسیعا وجود دارند و متاسفانه در حال حاضر نه محیطی که در آن هستند آنها را به این عنوان شناخته اند و نه خودشان در چنین ظرفیتی توانسته اند قد علم کنند و نه دفتر و نه سایت و نه تلفنشان معلوم است. برای اینکه فریاد بیمه بیکاری و یا کار را فریاد زد نیازی به مخفی کاری نیست. این را میلیونها بیکار و خانواده هایشان خواهانند. "حسن سندیکا" و "رضا شورا" هایی اکنون نیازمندند که با فریادشان که "ما گرسنه ایم و کار و معیشت مان را باید جامعه تامین کند و مسئولین باید تامین کنند" هم رژیم را بلرزاند و هم توده کارگران و مردم را به حرکت در آورد و هم دسته دسته به آنها و دفاترشان بپیوندند و خود را در "ارتش" آنها سازمان دهند، راه حل این است. و بالاخره سوال مهمتر من از این کمیته این است که چرا در شرایطی که بسیاری از مردم و از جمله زنان، معلمان، جوانان و حتی کودکان که در تشکلهای متنوع و تحت عناوین مختلف دارند جمع میشوند، خود را با همین عناوین دارند متشکل میکنند، شما فراخوان به کاری بشدت محدود و سوزنی و مخفی میدهید؟ راهی که در نقطه مقابل مبارزه ای توده ای و اجتماعی است! چرا به کارگر بیکار و فارغ التحصیل بیکار که میرسد، بجای اعلام یک سازمان با همین عنوان های خودشان در هر محله و شهری، و با آدم هایی در راس این حرکت، سراغ پیوستن به یک کمیته مخفی و از طریق یک آدرس اینترنتی میفرستید؟! و این در حالی است که هم اکنون میل و تلاش چشمگیری برای متشکل شدن و ایجاد سازمان های مختلف در جریان است، چرا در همین تهران و حومه چندین کانون و مرکز برای بیکاران وجود ندارد که محل تجمع آنها، ثبت نام آنها و تشکلات بزرگ و فعال ایجاد کرد و کار یا بیمه بیکاری را بر سر در این دفاتر هم آویزان کرد و بجای یک آدرس اینترنتی یک سایت و چندین آدرس هم داشته باشد؟ چرا در هر محله و یا شهر و منطقه ای فارغ التحصیلان بیکار تشکلات خود را

علیه تلاش رژیم برای محاکمه فعالین کارگری

اول مه سقز محکوم است! از جمله عنوان کرده است: کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن اقدام جمهوری اسلامی برای دادگاهی دستگیر شدگان ماه مه سقز، کارگران و مردم مبارز در شهرهای مختلف را به اعتراض علیه این اقدام جمهوری اسلامی فرا میخواند. برگزاری مراسم اول مه از ابتدایی ترین حقوق کارگران است. مزدوران جمهوری اسلامی با تعرض به اجتماع اول مه امسال کارگران سقز مرتکب جرم شده اند و باید محاکمه شوند. ما از همه کارگران و مردم می خواهیم با اعتراضات متحد و وسیع خود مسئولین رژیم را سر جایشان بنشانند و مراسم دادگاهی کارگران سقز را به میدان اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند. حزب کمونیست کارگری در این راستا در داخل و خارج از هیچ اقدامی دریغ نخواهد کرد. *

یافت. این شرکت کنندگان و بر پا دارندگان روز برسمیت شناخت شده و جهانی کارگر نیستند که باید محاکمه شوند. اتهام همکاری با اپوزیسیون را برای کارگران تراشیده اند تا تهاجم به مراسم آرام اول مه را لاپوشانی کنند. تشکیلات خارج کشور حزب همه سازمانهای کارگری و انسان دوست را فرا میخواند که به اعتراضات خود به حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی ادامه دهند. باید با برپایی اجتماعات و جلب حمایت سازمانهای کارگری و انسان دوست، سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را مورد اعتراض و یک بار دیگر عقب برانیم. به صف اعتراض علیه جمهوری اسلامی پیوندید!

* همینطور کمیته کردستان حزب در اطلاعیه ای در ۲۹ مرداد ۱۳۸۳ با عنوان "محاکمه دستگیرشدگان

* تشکیلات خارج حزب طی اطلاعیه ای در ۲۵ مرداد ۱۳۸۳ با عنوان "به احضار فعالین اول مه سقز به دادگاه اسلامی اعتراض کنید!" از جمله عنوان کرده است: برهان دیوارگر، جلال حسینی، محمود صالحی و محمد عبدی پور از فعالین اول مه سقز به دادگاه جمهوری اسلامی احضار شدند. جمهوری اسلامی این کارگران را به همکاری با جریانات چپ اپوزیسیون متهم کرده است. تنها جرم این کارگران شرکت در مراسم اول مه است. این حق بدیهی همه کارگران در سراسر جهان و از جمله در ایران است که روز جهانی کارگر را برپا دارند و از حقوق خویش دفاع کنند. جمهوری اسلامی زیر فشار کمپین بین المللی دفاع از فعالین اول مه سقز ناچار شد این کارگران را آزاد کند. این کمپین تا کنار رفتن کامل سایه احضار و دادگاه و پرداخت وثیقه برای این فعالین ادامه خواهد

ستون اول

از صفحه ۱

نهارخوری، فرستادن پیام پشتیبانی برای خانواده های این کارگران، فراخوان و دعوت از مردم برای اعتراض به این سیاست ضد کارگری رژیم اسلامی، میتواند فوراً جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کند. بخشهای مختلف مردم و جنبش آزادیخواهان از دانشجویان، معلمان و پرستاران لازم است عکس العمل نشان دهند. باید این حمله به کارگران را حمله به خود تلقی کنند. خانواده های این دوستان نقش مهمی در بسیج مردم در ابعاد سراسری و بویژه در سقز و شهرهای کردستان دارند. باید راسا با رسانه ها و نهادهای مختلف سخن بگویند و خواهان حمایت همه جانبه جهانی شوند. در سراسر ایران و در شهرهای کردستان باید مردم آزادیخواه خانواده های این کارگران را در حلقه عظیم حمایت خود قرار دهند. باید ندای همبستگی جهانی و طبقاتی و آزادیخواهانه از هر گوشه بلند شود.

در خارج کشور باید صفی وسیع از افکار عمومی پیشرو، اتحادیه های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق انسانی رژیم اسلامی را زیر منگنه بگیرد. بسیج اتحادیه ها و افکار عمومی پیشرو، اجتماع و تظاهرات و افشای چهره سرکوبگر و ضدکارگری رژیم اسلامی به میلیونها مردم در این کشورها امر فوری همه آزادیخواهان است. تنظیم شکایت از جمهوری اسلامی با خواست اخراج نمایندگان رژیم از نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار از جانب اتحادیه و سازمانهای معتبر کارگری جهان باید در دستور قرار بگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران با تمام قوا تلاش میکند صف هرچه گسترده تر از کارگران و مردم آزادیخواه را در داخل و خارج برای تحقق این اهداف به میدان بکشد. کارگران کمونیست و رهبران عملی و رادیکال جنبش آزادی و برابری، اعضا و کادراهی حزب باید در راس و در صف مقدم این تلاشها قرار بگیرند. دست کثیف ارتجاع اسلامی از سر کارگران باید فوراً کوتاه شود. *

کارگری تضمین نمیکند. جمهوری اسلامی با سیاست محاکمه فعالین اول مه تلاش میکند شکست مفتضحانه اش را در اول مه جبران کند. دستگیری شرکت کنندگان اول مه سقز با عکس العمل يك جنبش قوی توده ای و جهانی پاسخ گرفت. جنبش همبستگی کارگری در داخل و خارج جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کرد و دستگیرشدگان در میان استقبال گرم و پرشور مردم آزاد شدند. پوزه جمهوری اسلامی در این ماجرا به خاک مالیده شد. حال برگشته تا انتقام بگیرد. اینبار پاسخی به مراتب قاطع تر و سراسری تر باید رژیم اسلامی را سر جایش نشانند. الگوها و تجارب همبستگی طبقاتی و کارگری در مورد کشتار کارگران خاتون آباد و آزادی شرکت کنندگان در اول مه سقز امسال، مبنای حرکت همه جانبه و فوری برای مقابله با رژیم اسلامی است. اقدامات متنوع و وسیعی میتواند در دستور قرار بگیرد. اولاً باید همه مردم در داخل و خارج از این واقعه بعنوان يك مسئله مهم مطلع باشند. باید پوسته های این کارگران همه جا به در و دیوار چسبانده شود. این واقعه را باید به يك موضوع داغ سیاست ایران تبدیل کرد. ثانياً باید خواستی همگانی در راس هر اعتراض علیه این سیاست محوری شود: دادگاه محکوم است و باید الغا شود! شرکت در اول مه جرم نیست، حق طبیعی کارگران است! این خواست باید از زبان مجامع عمومی کارگری، قطعنامه ها، طومارها، شعارها، اجتماعات و غیره در ابعاد سراسری مطرح شود. حمله به فعالین کارگری در هر گوشه ایران حمله به کل طبقه کارگر و به این اعتبار حمله به جنبش آزادی و برابری است، در همین ابعاد باید درك شود و در همین ابعاد باید پاسخ بگیرد. بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران در صنایع کوچک و بزرگ باید فوراً عکس العمل نشان دهند. تعیین روشهای اعتراضی مثل اعتصاب کوتاه مدت، سخنرانی و صدور قطعنامه در مجمع عمومی کارخانه یا سالن

اوضاع سیاسی ایران

از صفحه ۲

حول خواستهای معینی در جنبش کارگری و در میان جوانان و زنان و بخشهای مختلف جامعه شکل بگیرند و بطور علنی مطرح بشوند و نیرو جمع کنند. این وظیفه ایست که در برابر فعالین و رهبران عملی مبارزات مردم قرار دارد. *

اسلامی. خلاصه کنم: ما خواستار کمپینها، تشکلهای، قطعنامه ها و پلاتفرمها و بیانیه هائی هستیم که

خدمت سرنوینی رژیم است. این راه مشخص و عملی ایست برای تعمیق و گسترش و جلو سوق دادن جنبش انقلابی مردم علیه رژیم جمهوری

مروری بر روشها و سنتها ...

از صفحه ۳

توده ای خود را تحمیل کرد و قدم به قدم رژیم و سرمایه داران را عقب نشانند. تشکل و اتحاد خود را باید محکم کرد. راه واقعی برای ابراز وجود رهبران و مطرح شدن آنها در سطح جامعه، طوری که کسی هم جرات محدود کردن آنها را نداشته باشد، باید در دستور باشد. و این ها همه، علیرغم هر نبیتی، در نقطه مقابل کاری است که "کمیته هماهنگی" نسخه اش را پیچیده است. فراخوان من این است که، همه فعالین و رهبران اعتراضات، به سنت کمونیسم کارگری و حزب ما پیوندید. *

هر چه توده ای تر کردن آن است. رهبران عملی باید پیشقدم و در جامعه مطرح شوند و چنان بر افکار عمومی و تشکل هایشان متکی باشند که امکان هر نوع دست درازی به آنها را هم بتواند خنثی کند. راه و روشهایی باید در برگرفته شود که به مکانیزم واقعی مبارزه کارگران، بیکاران و مردم مبارز و معترض مربوط باشد.

نباید داشته باشند و بلافاصله درخواست کار و یا بیمه بیکاری کنند؟ اینها آن حلقه هایی هستند که معلمان، پرستاران و جوانان را هم میتواند به بیکاران، کارگران بیکار، رهبرانشان و هر اعتراض دیگری در جامعه مربوط کند. اعلام يك کمیته و فراخوان به پیوستن به يك آدرس اینترنتی درست نقطه مقابل این حرکت است و موانع اتحاد را بیشتر و رسیدن به تشکل را دشوارتر میکند. راه و روش ما کمونیستها، اتحاد و اتکا به تشکل و کار برای

اکنون شرایطی است که با هرچه بیشتر مرتبط شدن رهبران و فعالین باید اتحاد و سازمان و تشکل های

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!